

بحث در حقوق تجارت

انسان مدنی بالطبع است یعنی در تعیش خود محتاج بمعاونت هم نوع خود جهت رفع مایحتاج بشری بوده و این احتیاج قهراً امر تجارت را ایجاد مینماید از این لحاظ تجارت را نمیتوان امر جدیدی شمرده و بحساب آورد.

بلکه باید گفت تجارت یک امر قدیمی است و تازگی ندارد خاصه تمامی مایحتاج مادی بشر یکجا جمع آوری نشده و تمرکز ندارد و هر قسمتی از آن در نقاط مختلفه دنیا بدست اشخاص متفرقه تهیه و ایجاد میشود.

در ادوار پیشین احتیاجات مادی از طریق مبادله رفع و تأمین میشد چنانچه امروز هم تبادل معمول به است.

تجارت امروزه دنیا نیز با سبک نوینی که بخود گرفته در اصل کلی مبادله هیچگونه تغییری نداده است منتهای مراتب مبادله مستقیم بدون اشکال نبوده واسطه در مبادله ایجاد نموده است.

ایجاد چنین واسطه که عبارت از نقود اعم از فلزات و طلا و نقره و کاغذ و غیره باشد اشکال مبادله را از بین برده ولی در اصل و قاعده کلی مؤثر نبوده و تغییراتی ایجاد نموده است.

ترقی روز افزون انواع احتیاجات مادی بشر که رفع احتیاجات مزبوره بوسیله مبادله بعمل میآید ناچار برای رعایت انتظامات در مبادلات اصول قهریه پیدا شده که مبنای عرف و عادت تجارتي بالاخره پایه حقوق تجارت میباشد.

و چون غالباً آمال و احتیاجات بشر مانند یکدیگر بوده و از این نقطه نظر لاینقطع بین آمال افراد و بالمال هیئت‌های جامعه تصادم واقع شده و تولید نزاع میشد و اختلافات ظاهر میگرددیده و هر فرد زورمند امیال و هوی و هوس خود را بر دیگران تحمیل مینمود لذا رعایت انتظامات در امر مبادلات ایجاد حقوق نموده است. حال باید دید علم حقوق چیست ؟

کلمه حقوق جمع و مفرد آن حق است و تعریف آن عبارت خواهد بود از مجموعه نظامات و اصولیکه روابط افراد مردم را با یکدیگر منظم نموده و بوسیله قوه قهریه بموقع اجرا گذاشته میشود.

تعریف علم حقوق بسلیقه و نظر نویسندگان و علما علم حقوق هرملتی بستگی دارد. علم حقوق بمعنی اعم بتقسیمات مختلفه منقسم شده ولی مشهورترین اقسام آن ذیلاً شرح داده میشود بطور کلی حقوق بر دو قسم است :

بحث در حقوق تجارت

۱ - حقوق خارجی و یا بین المللی بمعنی الاخص - حقوق بین المللی بمعنی الاعم همان حقوق بین المللی عمومی است و این قسم از حقوق عبارت است از مجموع قواعد و نظاماتیکه روابط دول جداگانه را بین آنها مرتب و منظم مینماید.

حقوق بین المللی بمعنی الاخص همان حقوق بین المللی خصوصی است و این قسم از علم حقوق عبارت از مجموع نظامات و قواعدی است که ارتباطات افراد دول خارج را از حیث معاملات و رفتار نسبت بهم تنظیم مینماید.

ایجاد این نوع از حقوق بین المللی عمومی و خصوصی در اثر رشد و تکامل بشری و وجود تسهیلات در امر ارتباطات دول بیگانه باهم و یا ارتباط افراد دول بیگانه پایکدیگر ایجاد شده و این امر باعث میشود که قوانین و مقررات عمومی و خصوصی دول بیگانه طرف مطالعه و استفاده قرار گیرد تا تخلفاتی از لحاظ ارتباطات دول با ملل بیگانه رخ ندهد و الا قوانین مزبوره ثمره عملی دیگری ندارد.

۲ - حقوق داخلی و یا خصوصی - این قسم از حقوق که بنحو اطلاق نظارت و دلالتی بامورات خارج از کشور نه نسبت بدولت و نه نسبت بملت نداشته صرفاً جنبه داخلی دارد منقسم بحقوق داخلی عمومی و خصوصی میشود.

حقوق داخلی عمومی عبارت از مقررات و قوانینی است که طرز و اسلوب حکومت و تشکیلات که روابط آنها نسبت بافراد آن جامعه تحت تنظیم قرار میدهد مانند حقوق اساسی. حقوق داخلی خصوصی آن قسمت از علم حقوقی است که روابط بین افراد را اعم از اینکه مربوط بامور خانوادگی و یا مربوط بامور مالی آنها باشد تنظیم مینماید مانند ارتباطاتیکه فیما بین افراد در اثر خرید و یا فروش و یا هبه در زمان حیات و یا تملیک کردن اموالی بعد از فوت ایجاد میشود.

حقوق تجارتی قسمتی از حقوق مدنی بوده و منشعب از آنست با تلفیق پاره از مواد قوانین تجارتی خارجی چون حقوق تجارت صورت مدنی دارد داخلی محسوب و برای آن نمیتوان یک تعریف جامع الاطراف قائل شد ولی ممکن است گفته شود حقوق تجارت مجموعه قواعدی است که روابط بین افراد را از حیث اشتغال آنها بامور تجارتی تنظیم مینماید. بنا بر این قوانین تجارتی مربوط بحقوق و تکالیفی است که در نتیجه انجام معاملات تجارتی بین اشخاص ایجاد میشود.

مثلاً و قتیکه بین مردم معاملات بیع و فروش اشیاء انجام گردید و یا قرارداد و تعهدی منعقد شد باین وسیله روابط قانونی بین یکدیگر تأسیس مینمایند. حقوق تجارت - حقوق و تکالیف و تعهدات مزبوره را تحت انتظام در آورده و مقرراتی نسبت بانها وضع میکند که بوسیله محاکم بموجب اجراء گذارده میشود در غیر اینصورت حل و فصل دعاوی ناشیه از امر تجارت با محکم محاکم عمومی است.